

بحران کاهش جمعیت در ایران

آیا ایران با بحران کاهش جمعیت روبه‌روست و به زودی پیر می‌شود؟ این نگرانی از چند ماه پیش بین محافل مختلف مطرح شده است



سلامت نیوز : آیا ایران با بحران کاهش جمعیت روبه‌روست و به زودی پیر می‌شود؟ این نگرانی از چند ماه پیش بین محافل مختلف مطرح شده است و بحث بر سر آن همچنان ادامه دارد. دولت پیشین نیز برای تشویق خانواده‌ها به افزایش زاد و ولد مشوق‌هایی را تصویب کرد که جنجال‌های زیادی را به دنبال آورد. از یک سو برخی معتقدند که باید میزان باروری در ایران افزایش یابد تا از سالخورده شدن جمعیت جلوگیری شود و از سوی دیگر بسیاری می‌گویند در شرایط کنونی اقتصادی و رفاهی کشور افزایش جمعیت خود بحرانی جدید خواهد بود.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از سایت قانون ؛ در این مورد با دکتر شهلا کاظمی‌پور، جمعیت‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه تهران که همزمان در مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، به عنوان معاون پژوهشی فعالیت می‌کند گفت و گویی داشتیم و تلاش کردیم وضعیت جمعیت ایران را بررسی کنیم. متن گفت و گوی روزنامه قانون با این جمعیت‌شناس را در پی می‌خوانید:

خانم دکتر کاظمی‌پور، چند ماهی است که بحث بر سر بحران کاهش جمعیت در ایران جدی شده است. این بحث چرا آغاز شده است و آیا اساس درستی دارد؟

اساسا در چند سال گذشته تغییراتی در جمعیت ایران رخ داده است که خیلی از کشورها هم این تغییرات را به خود دیده اند. به طور مثال کشورهای توسعه یافته حدود 70 سال پیش با این تغییرات (عمدتا کاهش میزان باروری) روبه‌رو شده اند و ژاپن 40 سال پیش دچار این تغییرات شده است. چین، کره، سنگاپور و بسیاری از کشورها نیز در حال تجربه این تغییرات هستند. بنابراین نمی‌توان نام این وضعیت را بحران گذاشت. در ایران نیز از حدود یک دهه پیش این مرحله آغاز شده است و کشورهای آمریکای لاتین و ترکیه نیز مانند ما هستند. در گذشته موالید و مرگ و میر هر دو در سطح حداکثر طبیعی بوده و در نتیجه رشد جمعیت ناچیز بود و جمعیت به کندی افزایش پیدا می‌کرد.

تا پیش از سال 1300 نیز ایران در این مرحله قرار داشت. برای حدود یک قرن جمعیت ایران در حدود 8 میلیون نفر ثابت مانده بود. کشورهای دیگر نیز همین‌طور. از حدود 200 سال پیش با وقوع انقلاب صنعتی و انقلاب پزشکی میزان مرگ و میر در کشورهای غربی کاهش یافت. این روند در ایران نیز از بعد از سال 1300 اتفاق افتاد. یعنی با کاهش مرگ و میر و ثبات موالید جمعیت ایران و جهان روبه افزایش گذاشت. از سال 1300 تا سال 1335 جمعیت ایران از 10 میلیون نفر به 20 میلیون نفر افزایش یافت. پس از این اتفاق که مرگ و میر کاهش پیدا کرد، در کشورهای توسعه یافته به دلیل دسترسی به بهداشت، افزایش سطح سواد و گسترش دیدگاه‌هایی نظیر دیدگاه مالتوس، موالید سیر کاهنده به خود گرفت و دوباره این کشورها به رشد ناچیز جمعیت رسیدند که این وضعیت در نهایت سیر دوبرابر شدن جمعیت این کشورها را کند کرد.

این واقعه وقتی در کشوری رخ می‌دهد جمعیت آن کشور را به سمت سالخوردگی سوق می‌دهد. به طور مثال در حال حاضر سالخورده ترین جمعیت جهان با نرخ 24 درصد جمعیت بالای 65 سال مربوط به کشور ژاپن است. کشورهایی نظیر انگلیس، سوئد و فرانسه که 200 سال پیش روند افزایش جمعیت را آغاز کردند و بعد از آن موالید در این کشورها کاهش یافت و در حال حاضر دارای رشد جمعیتی در حد صفر یا منفی هستند سیاست‌های تشویق افزایش موالید و مهاجرت‌پذیری را در پیش گرفته اند تا جمعیت خود را از نابودی نجات دهند.

روند تغییرات جمعیتی در ایران چگونه است؟

در ایران نیز از 1300 به بعد رشد فزاینده جمعیت آغاز شد و تا سال 1365 ادامه پیدا کرد. پس از آن صاحب‌نظران و برنامه ریزان متوجه شدند که باروری در ایران خیلی بالاست و در سال 1367 سیاست‌های کنترل موالید در برنامه اول توسعه تصویب و اعمال شد. در قانون نوشته شده بود که باروری در ایران که در آن زمان برای هر مادر شش و نیم کودک بود در سال 1390 به 4 کودک برسد. در دهه اول بعد از انقلاب سالی 2 میلیون کودک به دنیا می‌آمد که این موجب دو شیفته شدن مدارس در دهه 60 و بعد کمبود ظرفیت مدارس راهنمایی، دبیرستان و سپس دانشگاه‌ها در دهه‌های 70 و 80 شمسی شد و اکنون هم مشکل اشتغال، ازدواج و مسکن جوانان مطرح است. طی سال‌های 65-1355 رشد طبیعی جمعیت ایران سالانه حدود 3.2 درصد بود که در سرشماری سال 1375 به 1.96 درصد رسید.

بنابراین می‌توان گفت که سیاست‌های کنترل موالید موجب کاهش جمعیت شد. در سرشماری سال 1385 باز هم رشد جمعیت کاهش یافت و به 1.6 درصد رسید و در سال 1390 نیز به 1.3 درصد کاهش یافت. پس در حال حاضر با کاهش رشد جمعیت مواجه هستیم. برخی از مسئولان می‌گویند که ما با کاهش جمعیت روبه‌رو شده ایم در صورتی که این تعبیر نادرست است و فعلاً به کاهش رشد جمعیت رسیده ایم. بنابراین هنوز جمعیت ایران رو به افزایش است و رشد آن مثبت است. در واقع در سال 1385 جمعیت ایران که 70 میلیون نفر بود در سال 1390 به 75 میلیون نفر افزایش یافت. بنابراین ایران هنوز به وضعیت کشورهای اروپایی که با رشد منفی جمعیت مواجه هستند دچار نشده است.

در این تغییراتی که اشاره کردید. برنامه‌های تنظیم خانواده چه نقشی را ایفا کردند؟ در اینجا نکته ای وجود دارد و آن اینکه وقتی میزان مرگ و میر در جامعه ای پایین می‌آید، میزان موالید نیز کاهش پیدا می‌کند. در برنامه اول توسعه پیشنهاد شده بود که شش و نیم فرزند به 4 فرزند برسد. در صورتی که در سال 1385 تعداد فرزندان هر مادر به 1.8 کاهش یافت. در حال حاضر بحث منتقدان بر این است که برنامه‌های تنظیم خانواده در ایران خیلی شتابزده اجرا شد. معمول این است که اگر در هر جامعه ای شاخص باروری کل به 2 یا 2.1 فرزند برسد نرخ رشد آن جمعیت پس از دو دهه صفر می‌شود. با وجود اینکه از حدود یک دهه پیش میزان باروری ایران به زیر سطح جانشینی یعنی 2 فرزند سقوط کرده است اما رشد جمعیت ایران هنوز مثبت است. چرا که حدود 20 تا 30 سال طول می‌کشد که این وضعیت رشد جمعیت را به صفر برساند. اگر همین روند ادامه یابد در سال 1420 رشد جمعیت ایران به صفر می‌رسد.

یعنی در حال حاضر بحران جمعیت در ایران وجود ندارد بلکه مشکل کاهش سطح باروری خانواده‌هاست. در واقع در حال حاضر یک فرصت برای ایران ایجاد شده است. به قول آقای رئیس‌جمهور باید تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد. اکنون فرصت بسیار خوبی برای کشور وجود دارد. در حال حاضر میزان رشد جمعیت 1.3 است و تا به نیم برسد هم جای نگرانی وجود ندارد. در واقع بهترین ترکیب جمعیتی برای یک کشور زمانی است که رشد جمعیت آن بین نیم تا یک باشد. بنابراین فرصت فراهم است. طی چند سال اخیر مسئولان متوجه این امر شده‌اند و در تلاش برای یافتن راهکارهایی هستند تا اولاً از کاهش سطح باروری جلوگیری شود و کمی هم آن‌را افزایش دهند. در قانون جامع جمعیت و تعالی خانواده که همین روزها در مجلس مطرح می‌شود، ذکر شده است که تا سال 1404 نرخ باروری کل به 2.5 فرزند برسد و پس از آن ثابت بماند. این یعنی برنامه ریزی. یعنی اگر زمانی که قرار بود باروری از 6.5 به 4 برسد نظارت می‌شد شاید روند کاهشی اینقدر شدید پیش نمی‌رفت. در برنامه جدید نیز که برای افزایش نرخ باروری است باید نظارت کافی باشد تا رشد جمعیت طبق برنامه افزایش یابد.

یعنی برنامه‌های تنظیم خانواده دارای اشکال بودند؟

خیر، اشکال از برنامه‌های تنظیم خانواده نیست. بر اساس مطالعاتی که انجام شده است تعداد کمی از زوج‌های ایرانی از امکانات رایگان پیشگیری از بارداری استفاده می‌کنند. در واقع در اختیار قرار دادن وسایل پیشگیری از بارداری سیاست نادرستی است، چنانچه در پاکستان و هند نیز این سیاست موفق نبود. چرا که وقتی فردی بی‌سواد یا کم سواد است نمی‌تواند از وسیله پیشگیری به درستی استفاده کند. بنابراین باید از طریق فرهنگ سازی برنامه‌های تنظیم خانواده اجرایی شود. در آمارهای موجود وزارت بهداشت دیده می‌شود که مردم استان‌هایی همچون گیلان و مازندران که در کاهش تعداد موالید موفق بوده‌اند از روش‌های سنتی جلوگیری از بارداری استفاده کرده‌اند. بنابراین نمی‌توان تمام گناه را بر گردن برنامه‌های تنظیم خانواده انداخت.

افزایش سطح سواد، توسعه اقتصادی، توسعه شهرنشینی، افزایش سطح بهداشت، افزایش میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و ... نیز در کنترل باروری خانواده‌ها تاثیر داشته‌اند و همان مسیری که کشورهای دیگر پیموده‌اند را ایران نیز طی می‌کند. بنابراین نمی‌توان گفت که بیراهه رفته‌ایم. بر اساس تئوری‌های جمعیت‌شناسی، روندی که تاکنون به آن اشاره کردم، مرحله اول انتقال جمعیت نامیده می‌شود. مرحله‌ای که بعد از جانشینی است یعنی مرحله‌ای که به رفاه و افزایش کیفیت فرزند اشاره دارد مرحله دوم انتقال جمعیتی است که در این مرحله زوجین به سمت داشتن بچه کمتر اما با کیفیت بهتر سوق پیدا می‌کنند.

در چند ماه گذشته در واقع در دولت یازدهم، سیاست‌های تشویقی برای افزایش تعداد فرزندان از سوی دولت در پیش گرفته

شد. با توجه به توضیحاتی که دادید این سیاست ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این سیاست‌ها بیشتر سیاست‌های رفاهی است، از جمله همگانی کردن بیمه، بیمه مادر و فرزند و پوشش بیمه ای برای زایمان. کشورهای دیگری که دچار کاهش نرخ رشد جمعیت شدند نیز چنین سیاست‌هایی را در پیش گرفته‌اند اما نکته اینجاست که با این سیاست‌ها نمی‌توان به همان میزان که باروری کاهش پیدا کرد نرخ رشد جمعیت را افزایش داد. البته در ایران در مقطع مناسبی متوجه مشکل شده‌ایم و فرصت داریم که نرخ رشد جمعیت را با تدوین و اجرای برنامه‌های دقیق افزایش دهیم. در اروپا این برنامه‌ها موفق نبودند چرا که سطح باروری در این کشورها بسیار پایین آمده است. اما تاکید من بر این است که در اجرای برنامه‌ها دقیق باشیم و شتاب‌زده عمل نکنیم چنانکه رهبر معظم انقلاب نیز در ارتباط با افزایش جمعیت بر انجام مطالعات و تصمیم‌گیری‌های علمی تاکید داشته‌اند.

اکنون زمان مناسبی برای آغاز این برنامه‌هاست یا این که با توجه به توضیحات شما باید قدری درنگ کرد؟ معمولا وقتی یک برنامه جمعیتی اجرا می‌شود تا حدود 3 سال بعد به نتیجه می‌رسد. به نظر من سیاست‌هایی که دولت قبلی برای افزایش جمعیت در پیش گرفت شتاب زده بود. باید بدانیم که اگر یک برنامه اجرا نشود بهتر از آن است که بد اجرا شود.

افزایش تعداد فرزندان در هر خانواده نیازمند زیرساخت‌هایی نظیر بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش میزان رفاه اجتماعی است. اکنون در شرایطی که وضعیت اقتصادی جامعه چندان مطلوب نیست، اجرای برنامه‌های افزایش جمعیت چگونه ممکن است؟

صد در صد اینگونه است. اگر کاهش میزان باروری را به عنوان یک تهدید تلقی می‌کنیم و به دنبال افزایش باروری هستیم باید زیرساخت‌ها را نیز برای تازه واردین تا قبل از به دنیا آمدنشان فراهم کنیم. وگرنه همچون سال‌های نخست بعد از انقلاب با چند شیفته شدن مدارس و بسیاری مشکلات دیگر مواجه خواهیم شد.

وضعیت موجود، یعنی کاهش میزان باروری خانواده‌ها نافی این نیست که برنامه‌ریزی نکنیم. از سوی دیگر در سال 1391 بیش از یک میلیون و 400 هزار کودک به دنیا آمده است که باید برای تحصیل، مسکن، ازدواج و اشتغال آنها برنامه‌ریزی شود.

در حال حاضر وضعیت ترکیب جمعیتی در ایران چگونه است؟

ترکیب جمعیتی در ایران به این صورت است که در سال 1365 یعنی زمان اوج باروری 46 درصد از جمعیت ایران زیر 15 سال بودند و فقط 3 درصد جامعه بالای 65 سال بودند و 51 درصد دیگر در سن فعالیت یعنی بین 15 تا 64 سال قرار داشتند. در حال حاضر جمعیت زیر 15 سال ما به خاطر کاهش باروری به 23 درصد کاهش یافته و جمعیت بالای 65 سال ایران به حدود 6 درصد افزایش یافته است و جمعیت واقع در سن فعالیت حدود 71 درصد است. به طور معمول کشورهایی که بیش از 70 درصد جمعیت آنها در سن فعالیت هستند در پنجره یا فرصت جمعیتی قرار دارند. یعنی از سال 1390 جمعیت ایران در پنجره جمعیتی قرار گرفته است. یعنی بالاترین سهم جمعیتی در سن فعالیت و اشتغال قرار دارند و میزان سرباری و بار تکفل در ایران به حداقل رسیده است. کشورهای آسیایی همچون چین و ژاپن در این مرحله به شکوفایی اقتصادی رسیده‌اند و ما نیز باید از این فرصت استفاده کنیم.

در چند ماه گذشته، در محافل سیاسی و بین مسئولان نگرانی‌هایی بابت بحران سالخوردگی در ایران به وجود آمده است. آیا این نگرانی‌ها بجاست؟ زمان سالخورده شدن جمعیت ایران نزدیک است؟

اکنون حدود 6 درصد جمعیت ایران در مقطع سالخوردگی قرار دارند که اگر میزان باروری در ایران در سطح فعلی (1.8 فرزند) ثابت بماند در سال 1420 جمعیت سالخورده ایران به حدود 14 درصد و در سال 1430 به 21 درصد خواهد رسید یعنی در آن زمان با بحران سالخوردگی به معنای نرخ بالای 20 درصد مواجه خواهیم بود. حدود 17 میلیون نفر در دهه 60 به دنیا آمدند که این عده در حدود 1430 به بالای 60 سال می‌رسند. حتی اگر باروری را نیز افزایش دهیم باز هم این تعداد سالخورده را خواهیم داشت بنابراین باید برای زمان سالخوردگی این افراد برنامه ریزی و به مسائل بهداشتی، رفاهی، تامین اجتماعی و عاطفی آنها توجه کنیم. باید برای افرادی که اکنون در سن ازدواج هستند اشتغال تام همراه با بیمه فراهم کنیم تا این افراد خود آینده خود را تامین کنند. اکنون ما نمی‌توانیم پاسخ نیازهای متولدین دهه 60 را بدهیم حداقل باید برای دوران سالخوردگی آنها برنامه‌ریزی کنیم.